

## عوامل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم (ص) در حاکمیت اسلام ..

محمد جواد رودگر  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی کرج

### چکیده

شناخت فلسفه حاکمیت اسلام و رازشناسی موفقیت پیامبر اعظم (ص)، یک ضرورت عقلی، تاریخی و اجتماعی است و یافتن ریشه‌ها و علل توفیق گسترش اسلام و درک مؤلفه‌های اسلام خواهی و موج فزاینده اسلام گرایی در صدر اسلام، در حقیقت با رهیافتی تاریخی - فلسفی ممکن و نوعی سیره‌شناسی جامع و اعم از سیره معرفتی معنوی یا فکری - اخلاقی و سیاسی - اجتماعی پیامبر اعظم (ص) می‌باشد. مقالة حاضر با همین رویکرد نوشته آمد و مؤلفه‌ها را در دو محور نظری و عملی و مبتنی بر شأن و شخصیت نبوی آورده است و با تکیه بر ارکان چهارگانه: عقلانیت، معنویت، حریت و عدالت به بررسی علل موفقیت پیامبر اکرم (ص) در حاکمیت اسلام پرداخته و به صورت مجمل و معطوف به آراء استاد شهید مطهری (ره) تقریر و تحریر شده است. کلید واژه‌ها: اسلام - سر اکرم (ص)، جاذبه‌های شخصی، رفتاری، عقلانیت، معنویت.

### مقدمه

تاریخ صدر اسلام به گونه‌ای غریبه و منحصر در شناخت اسلام یا اسلام‌شناسی از منظر تاریخی و پارادوکس‌ها و بدیهات است. چه اینکه بررسی تحلیلی - تطبیقی حضور و زندگی و تمدن آن در کنار باطنی‌ها و بیرون‌یهودیت و مسیحیت (الهی الحدوث) و بیرون‌یهودیت

هندوئی از برهمنیسم و بودیسم (بشری الحدوث) تا مارکسیسم، اگزیستانسیالیسم، لیبرالیسم به یقین ما را در معرفت فراگیر نسبت به اسلام و کارکردهای تاریخی آن و پیامبرشناسی کمک شایانی می‌نماید. همچنین نقاط قوت و ضعف و آسیبهای نظری و عملی جامعه اسلامی را نیز بهتر می‌توانیم مورد شناخت و نقد قرار دهیم.

البته مهم‌تر از نگاه به تاریخ صدر اسلام استخراج علل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اکرم (ص) در گسترش و حاکمیت اسلام، مورد نظر است. در این تحقیق تنها مؤلفه‌ها و عناصر موفقیت و کارآمدی پیامبر اعظم (ص) در گسترش و حاکمیت اسلام مدنظر می‌باشد که ابتدا در دو محور کلان و کلی ساختار آن را ترسیم و سپس پیرامون برخی از مؤلفه‌های مطرح شده توضیحاتی خواهیم داد.

## محور اول

### شخصیت‌شناسی پیامبر اعظم (ص)

#### الف: شخصیت حقیقی<sup>۱</sup>

۱- مقامات علمی و معرفتی

۲- مقامات علمی و رفتاری - معنویتی

#### ب: شخصیت حقوقی

۱- شأن دریافت و تلقی وحی

۲- شأن ابلاغ و تبلیغ وحی

۳- شأن تشریح و تفسیر وحی

۴- شأن تشریح قانون‌گذاری

۵- شأن تدبیر جامعه یا مدیریت و رهبری

۶- شأن قضاوت و داوری

## محور دوم

### درون مایه‌های اسلام و مجاهدتهای مدبرانه پیامبر اکرم (ص)

الف) درون مایه‌ها یا خاصیت ذاتی اسلام که ویژگی‌های خود مکتب اسلام ناب است.

ب) روشها و برنامه‌های پیامبر اکرم (ص) در پیشبرد اسلام.

## علل و مؤلفه‌های موفقیت پیامبر اعظم (ص) در حاکمیت اسلام

### الف: مؤلفه‌های معرفتی و نظری

- ۱- بصیرت و صبر در حوزه دینداری.
- ۲- ایمان به خدا و هدف و فرجام رسالت.
- ۳- درک شرائط زمان و مکان یا عالم به عصر و دوران بودن.
- ۴- وظیفه‌شناسی و تکلیف محوری.
- ۵- منطق عمیق و کارآمد مبتنی بر فطرت و عقل.

### ب: مؤلفه‌های رفتاری و عملی

- ۱- پاسخگویی به سؤالات و شبهات دوستان و دشمنان.
- ۲- استقامت در راه هدف.
- ۳- ترابط و تعامل مثبت و سازنده با آئین‌های عصر خویش.
- ۴- برنامه‌ریزی و تدبیر در تبلیغ و ترویج اسلام.<sup>۲</sup>
- ۵- الگوی عملی پیام و آموزه‌های اسلامی بودن (أسوه حسنه شدن)
- ۶- نرمش در مسائل شخصی و صلابت در مسائل اصولی.<sup>۳</sup>
- ۷- رأفت و مهرورزی.<sup>۴</sup>
- ۸- عدالت‌ورزی در حوزه‌های رفتاری فردی، خانوادگی و اجتماعی.
- ۹- برخورد شایسته با نسل جوان.

و اکنون با توجه به مسائل و محورهای پیش گفته به برخی از علل و مؤلفه‌های معرفتی و رفتاری پیامبر اعظم (ص) در پیشبرد اسلام و حاکمیت بخش فرهنگ و ارزشهای و حیانی بصورت موجز و مُجمل می‌پردازیم.

#### ۱. ایمان به خدا و هدف

پیامبر اعظم الهی در اوج اعلای «ایمان به خدا»، و رسالتش، هدف‌شناس و هدفدار بوده است و حداقل دو آیه در قرآن شاهد بر این مدعاست. «ءامن الرسول بما أنزل إليه من ربه...» (بقره / ۲۸۵) و «قل هذه سبيلي أدعوا إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعني...» (یوسف / ۱۰۸). این دو آیه، دو عنصر بصیرت و درک دینی و ایمان و التزام عملی به ره آورد «وحی» را برای پیامبر اکرم (ص) مطرح می‌کنند که «امن الرسول» به مقوله ایمان، و التزام عملی دینی و «علی

بصیرة انا» به بصیرت، درک و معرفت دینی در انسان کامل و واسطهٔ ابلاغ پیام خدا به انسان در مرتبهٔ اعلیٰ دلالت می‌نماید. از سوی دیگر «والمؤمنون کل امن بالله و ملائکته و کتبه و رُسُلُه» (بقره / ۲۸۵) بر ایمان و باورداشتهای پیروان راستین رسول خدا(ص) و «مَن اِتبعنی» (یوسف / ۱۰۸) نیز بر معرفتِ اسلامی، بصیرت دینی و فهم عمیق آموزه‌های نبوی از سوی تبعیت‌کنندگان و رهروان حقیقی پیامبر اعظم(ص) دلالت می‌نماید؛ تا پیامبر اسلام از آنجایی که خود معرفت و محبت، ایمان و عمل و بصیرت و التزام عملی با عقلانیت علمی و عملی به دین در دریای وجودش متموج بود، همان راه اَمّت خویش و به خصوص یاران و اصحابش تزییق و القاء نماید، چه اینکه دینداری بدون درک دینی و ایمان بدون معرفتِ دینی توان بقاء و استمرار و قرار گرفتن در چالش‌های روزگار و حوادث سنگین تقابل کفار و مشرکان از یکسو و نفاق اندیشان و منافق سیرتان از سوی دیگر و انگیزه و اندیشه‌های متحجرانه و واپس‌گرایانه یا افراط و تفریط در گفتار و رفتار ظاهرگرایان را ندارد.

آری ایمان پیامبر اعظم او را در همه جریان‌های تلخ و شیرین جنگ و صلح، تحریم اقتصادی و ترور شخصیتی، فشارهای اجتماعی و سیاسی و.. محکم و استوار نگه داشت و هدفداری در تمامی مراحل بعثت چه قبل از هجرت و چه پس از هجرت و فراز و فرودهای شگرف و شگفت‌زای مکه و مدینه او را ثابت قدم، شاداب و پرنشاط و در عین حال هوشیار و اهل تدبیر قرار داد و شناخت دقیق هدف و باور به آن عامل بسیار مؤثری بود که پیامبر اسلام(ص) بدون هیچ ترس و وحشت به پیش رود و این عنصر شخصیتی و مؤلفهٔ وجودی در پیامبر یارانش را قدرت و قوت درونی و امید به آیندهٔ روشن می‌بخشید و دشمن را مأیوس، سردرگم و مردد در برخورد و مقابله با نهضت الهی - توحیدی‌اش می‌کرد.

تنها ایمان به خدا و ایمان به هدف بود که عامل تحمّل شکنجه‌های روحی و فیزیکی و مبنای شکیبایی و شرح صدر برای پیامبر و یارانش می‌گشت، تا با برنامه ریزی و تدبیر در خانه و خیابان، در سرا و صحرا، در خلوت و جلوت و در سختی و راحتی دست از ابلاغ پیام الهی و سروش غیبی به مردم و مبارزهٔ با جهل، کفر، شرک و نفاق بردارد و مصداق اهمّ و بارز آیه: «فاستقم کما أمرت و مَن تاب معک» (هود / ۱۱۲) باشد. پیامبر(ص) در جریان تهدید و تطمیع سران مشرک قریش و پیغام فرستادن از طریق حضرت ابو طالب، فرمود: «وَاللّٰهُ لَوْ

وضعوا الشمس في يميني والقمر في يساري، على أن أتزك هذا الامر حتى يظهره الله أو أهلك فيه ما تزكته»<sup>۵</sup> که حکایت روشن از استقامت و رزوی و استوار پیشگی پیامبر اکرم (ص) در راه اهداف عالی توحیدی اش بود.

## ۲. عقلانیت در دعوت دینی و پرهیز از خشونت

پیامبر اکرم (ص) در دعوت مردم به اسلام اصالت را به عقل داده و در جهت شکفتن استعداد های عقلانی انسان و رشد و بالندگی فکری آنها کوشید؛ چه اینکه «ایمان» بر «اجبار» قرار نگرفته و استواری نمی یابد و «خدا» را نمی توان در ویرانی های «جهل» جستجو کرد، بلکه ایمان با عقل و خدا در آبادی های علم و معرفت دست یافتنی است و اسلام بر عقل و علم و تفقه و بصیرت پایه ریزی شده است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «أدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ (نحل / ۱۲۵) زیرا آدمیان استعدادها و ظرفیت های متفاوت و توانمندی های مختلفی دارند برخی با «حکمت و برهان»، برخی با «موعظه حسنه» و عده ای با «جدال احسن» قابلیت هدایت دارند. لذا باب آزادی اندیشه و تفکر و اعتقاد و ایمان مبتنی بر عقلانیت و معرفت را اسلام باز کرد و پیامبر (ص) با عوام زدگی، پیرایه و بدعت های دین، قشری گری، و جهالت مبارزه کرد. داستان مرگ ابراهیم و خورشید گرفتگی و شایعه ارتباط این دو با هم و سپس برخورد صریح، سریع و شفاف پیامبر اکرم (ص)، این روحیه عوام گرایی و سطحی نگری<sup>۶</sup> را از بین برد. یا داستان افراط و تفریط برخی یاران و برخورد پیامبر اکرم (ص) با آنها، چون جریان «عبدالله بن عمر» و «عثمان بن مظعون»<sup>۷</sup> و حدیث نبوی: «قطع ظهري اثنان؛ عالم مهتک و جاهل متنسک»<sup>۸</sup> گواهان دقیقی بر اهتمام پیامبر (ص) به تعمیق معرفت اسلامی است تا اسلام عقلانی با عقل پویا و پایا پذیرفته گردد. به همین دلیل همه تلاش های تبلیغی و دعوت گرایانه پیامبر اعظم به اسلام در این مسیر بود که اسلام چنان که هست فهمیده و درک گردد و سپس به باور قلبی و ایمان درونی تبدیل شود. پیامبر (ص) سیاهی لشکر از طرفداران و مریدان بدون معرفت و عمق اندیشی در ساحت های مختلف دینی را نمی طلبد؛ لذا اسلام را بر پایه های عقلانیت و معرفت، معنویت و قسط و عدالت، تبلیغ و ترویج می نمود و این روحیه آزاداندیشی، تفکر خلاق، به کارگیری عقل و دل، نقش مهم در پیروزی آن حضرت داشته است.

### ۳. اهتمام به پاسخگویی دقیق و عالمانه به پرسش‌ها و شبهات دوستان و دشمنان

از مؤلفه‌های موفقیت پیامبر الهی، پرورش روح پرسشگری، سؤال‌گرایی عالمانه و معرفت‌جویانه در مردم و مسلمانان و سپس جواب‌گویی مبتنی بر دلیل و برهان به سؤالها و شبهات بوده است. صحنه‌های مختلف مناظره و دیالوگ‌های پیامبر اکرم با دوستان و معاندان در تاریخ ثبت و ضبط شده است که اساساً پیامبر زمان ویژه‌ای را اختصاص به آموزش درست معارف اسلامی و جواب دادن در نهایت تواضع و شرح صدر به پرسش‌های دیگران می‌داد. ایشان نه تنها از طرح سؤال و شبهه ناراحت و ملول نمی‌شد، بلکه بسیار مسرور شده و از آنها استقبال می‌کرد و خود را در معرض مردم، جوانان و حتی مخالفانش قرار می‌داد تا مسائل خویش را با او در میان گذارند نه اینکه از آنها احتراز نماید. اساساً سؤال را کلید دانش و نیمی از علم قلمداد می‌نمود و علم‌جویی را فریضه و معرفت را معیار فضیلت و طالب علم را بسیار ستوده و عقل را سرمایه اصلی حیات انسان شمرده‌اند.

### ۴. رأفت و مهربانی

از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز موفقیت پیامبر اعظم در حاکمیت اسلام همانا رأفت و مهرورزی پیامبر اکرم (ص) بود، چنان‌که قرآن کریم به صراحت آن را بیان فرمود: «فَبِأَرْحَمَةٍ مِنْ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفُضُوا مِنْ حَوْلِكَ.» (ال عمران / ۱۹۵) یعنی پیامبر به موجب لطف و رحمت الهی با مسلمین و مردم با اخلاق لئین و بسیار ملایم و با نرمش، حُسن خلق و رفتار برخورد و عمل می‌کرد که اگر این خلق و خوی نبود و درشت‌خو بود، مسلمانان نیز از اطراف پیامبر پراکنده می‌شدند و به تعبیر استاد شهید مطهری: «مقصود این است که پیغمبر در مسائل فردی و شخصی نرم و ملایم بود نه در مسائل اصولی و کلی؛ در آنجا پیامبر صد در صد صلابت داشت، یعنی انعطاف‌ناپذیر بود. پیغمبر در سلوک فردی و در امور شخصی نرم و ملایم بود ولی در تعهدها و مسئولیت‌های اجتماعی نهایت «درجه صلابت داشت. پیغمبر در مسائل اصول هرگز نرمش نشان نمی‌داد در حالیکه در مسائل شخصی فوق العاده نرم و مهربان بود و فوق العاده عفو داشت و با گذشت بود پس اینها با یکدیگر اشتباه نشود...!»<sup>۹</sup>

آری پیامبر در مدیریت فرهنگی و تربیت دینی اش سبک جذّاب و خوش‌خو بودن را مبنای قرار داد و همین اخلاق حسّنه و خوش رفتار او، بسیاری را به اسلام متمایل ساخت. در این راستا پیامبر اکرم (ص) یک الگوی کامل و آسوه سازنده است.

##### ۵. برخورد شایسته با نسل جوان

یکی از روشهای تربیتی و تعلیمی پیامبر اکرم (ص) تعامل منطقی و ترابط مثبت با نسل جوان جامعه خویش بود و با روش محبت و مهرورزانه و در عین حال تکریم شخصیت و پرورش روحیه بزرگی و بزرگواری با آنان برخورد می‌کرد و همراه به سراغ آنها می‌رفت. اساساً منتظر نمی‌ماند تا آنها به سوی او بیایند بلکه او با شوق و شَعَف و میل و رغبت به سوی آنها رفته به گفتگو با آنان می‌نشست و یا دعوت‌های آنها را پاسخ مثبت می‌داد و به سؤاها و نگرانی‌های آنان پاسخ می‌گفت و بدین سان نوع رفتار و رهبری نسل جوان از سوی پیامبر اکرم (ص) عاملی مؤثر در گرایش جوانان و نوجوانان به اسلام عزیز شد.<sup>۱۰</sup>

تاریخ نیز نشان داده است که اکثر یاران پیامبر اکرم (ص) را جوانان تشکیل می‌دادند و چنان شیفته اخلاق نبوی و جذب زیبایی‌های اسلام می‌شدند که در همه شرایط با پیامبر همراهی و همراهی می‌نمودند و اهل جهاد، اجتهاد، ایثار و نثار تا مرز شهادت می‌شدند. پیامبر اکرم (ص) نیز با جوانان مشورت کرده به آنها میدان و مسئولیت می‌داد چه در عرصه‌های فقهی و دینی مثل معاذبن جبل، چه در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مثل اسید بن حُضیر و چه در جریان‌های نظامی و جنگی مثل أسامة بن زید و ابن تاکتیک و استراتژی منطقی و مدبرانه پیامبر اسلام در علم و عمل باب جذب جوانان به اسلام و مسئولیت‌پذیری آنها را گشود، یعنی پیامبر اکرم (ص) با تدبیر و گزینش روش عقلانی تبلیغی توانست با نسل جوان رابطه بسیار صمیمانه و دلسوزانه برقرار کرده و جوانان جامعه او را با تمام وجود باور نمایند و چون رابطه فرزندی با پدر مهربان و آگاه و خردمند اطراف او را گرفته و پروانه وار گرد شمع وجود پیامبر (ص) که پدری آگاه و مهربان برای آنان بود بگردند و سفیران فرهنگی - تبلیغی پیامبر شده و حافظان و حاملان قرآن و مجاهدان و مهاجران ناب اسلامی شوند، امثال مَضْعَب، بلال، مقداد، ابودجانة، جعفر بن ابیطالب و... در سپاه و ستاد فرهنگی - سیاسی و نظامی پیامبر اسلام (ص) فراوان به چشم می‌خورند و با خلوص، صداقت، شجاعت و شهامت از زمره یاران با صبر و بصیرت اسلام گشته‌اند.

## ۶. طبیبانه عمل کردن

پیامبر آگاه و خردمند اسلام به تعبیر امیرالمؤمنین علی (ع) «طبیبانه» آنهم «طبیب بالینی» عمل می‌کرد. او در ابعاد عقیدتی - فکری و اخلاقی - تربیتی و احکام و شریعت تعاملی طبیبانه داشت نه حاکمانه و انتقامجویانه و خشونت طلبانه. او که فرمود: «اعطیت جوامع الکلم»<sup>۱۱</sup> (خدا به من کلمات جامعه داده است) توانست شیوه و مشی تبلیغی اسلام را روش «طبیب سیار» انتخاب گرداند «طبیب ثابت» که علی (ع) فرمود: «طبیب دَوَّارٍ بَطَّيْهَ، قَد أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ»<sup>۱۲</sup> یعنی با درک نسبت به شرایط اجتماعی خویش و انحراف فکری و انحطاط اخلاقی آشکاری که در جامعه وجود داشت دردمندان و مسئولیت شناسانه به سراغ انسانهای منحرف و دچار اضلال و اغوای فکری - اخلاقی شده می‌رفت و چون یک طبیب حاذق و ماهر به درمان درد و بیماریهای فکری - رفتاری آنها می‌پرداخت و البته خود یک «أسوة عملی» برای آنان بود.

اخلاق، افکار و افعال پیامبر که برای همه مردم و جوانان مشهود و معلوم بود سازنده و درمانگر بود، امانت داری، صداقت ورزی، خردمندی، پاکی و طهارت اخلاقی - رفتاری، قضاوت و داوری عادلانه، زندگی زاهدانه و متعادل، مهربانی و تواضع، شرح صدر و شکیبایی و حلم و... همه و همه به نحو احسن و اکمل در شخصیت پیامبر اسلام متجلی بود و همه این اوصاف انسانی داروهایی برای درمان دردها بود و رفتار متعالی اش نسخه‌های شفابخش بیماران جامعه محسوب می‌شد و سرانجام اینکه پیامبر اکرم (ص) طبیبانه به سراغ مردم و جوانان می‌رفت و درد دلها و مسائل و مشکلات آنها را با جان و دل می‌شنید و اهتمام به حل و فصل و رتق و فتق امور مردم، آن هم بدون هیچ چشمداشتی داشت. خود درمان کننده بود؛ طبیبی بود که با منطقی نیرومند، اخلاقی خوش و جذاب، سخنانی شیرین و دلنشین، سیمایی دل‌انگیز و طرب‌آور، دلسوزی و شفقت خالصانه و مهارتی بی‌نظیر با بیماران گوناگون بدون هیچ امتیاز دهی و تبعیضی برخورد می‌کرد و حقیقتاً در انجام رسالتش موفق و در گسترش اسلام و تعمیق اندیشه دین و ترویج ارزشهای اسلامی پیروزمند بود.

آری پیامبر (ص) طبیبانه، جهل، خرافه، عادات منفی و... از حیث فکری - نظری و با بردگی در برابر شهوات، بنده از آرزوهای پنداری و خیالی شدن و کینه‌ورزی، حسادت،



بخل و... از حیث فعلی و عملی مبارزه کرد تا در یک رهبری طبیبانه غُل و زنجیرهای گذاشته شده بر نیروها و استعدادهای معنوی بشر را باز کند و آنان را از «ضلالت آشکار» نجات دهد. استاد شهید مطهری در خصوص رهبری رسول اکرم (ص) می نویسد: «پیغمبر این نیروهای بسته را باز کرد، مدیریت اجتماعی یعنی این، رهبری یعنی این منحصر کردن نیروها، تحریک نیروها، آزاد کردن نیروها و در عین حال کنترل نیروها و در مجرای صحیح انداختن آنها، سامان دادن، سازمان بخشیدن و حرارت بخشیدن به آنها»<sup>۱۳</sup>

### ۷. الگوی عملی کامل بودن

پیامبر اعظم الهی تجسم قرآن کریم و تعین بینش‌ها و گرایش‌های اصیل اسلامی و تحقق عینی ارزشهای الهی بود، آنچه را که در «گفتار» مطرح می‌کرد قبلاً در «کردارش» ظهور داشت و تنها به «زبان» دعوت به اسلام یا توحید و عدالت نمی‌کرد بلکه در عمل و کردارش توحید و عدالت تجلی یافته بود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱)؛ یعنی رفتارهای پیامبر اکرم (ص) همه معنامند، تفسیر‌پذیر و معرفت‌آموز و در عین حال سازنده برای اهل فهم و عمل بود. به تعبیر استاد شهید مطهری: «وجود پیامبر کانونی است که ما از آن کانون باید (روش زندگی را) استخراج کنیم. رفتار پیغمبر ما آنقدر عمیق است که از جزئی‌ترین کار پیغمبر می‌شود قوانین استخراج کرد. یک کار کوچک پیغمبر یک چراغ است، یک شعله است، یک نور افکن است برای انسان که تا مسافتهای بسیار دور را نشان می‌دهد»<sup>۱۴</sup>

پیامبر اکرم (ص) معروف‌گرایی و منکر‌گریزی به معنای جامع کلمه از معروف و منکر عقیدتی - معرفتی تا معروف و منکر معنویتی - تربیتی و تا معروف و منکر احکامی فقاهتی همه و همه را در قول و فعل خویش به عینیت تبدیل کرد، تا فعلش همچون «قول» او و تقریر او (با توجه به شرائط و قرائن) حجیت داشته باشد.

حال اگر انسانی در مسیر هدایت و تربیت جامعه از «مدار انسانیت» خارج نشود و بلکه مدار انسانیت را با همه وجودش معنا نماید و مینا بخشد و «الگوی کامل و أسوة حسنه‌ای» برای حقایق و اخلاقیات الهی - انسانی باشد و آئینه اسرار و معارف حق گردد، آیا نمی‌تواند چنان نفوذی در دلها نماید که عقل و دل انسانهای بیدار و بینا را مجذوب خود نماید؟ بله، در کنار حُسن فاعلی و فعلی از سوی پیامبر اکرم (ص)، «حُسن قابلی» یا ظرفیت و استعداد

مخاطبین نیز «شرط لازم» هدایت و کمال است، لکن پیامبر اسلام در روش تبلیغی «اسلام» چنان عمل می‌کرد که هر انسان صاحب عقل و معنا را معطوف به خویش می‌ساخت مگر کسانی که از مسیر انسانیت و جاده فطرت خارج شده و قساوت پیدا کرده باشند. به همین دلیل «جاذبه‌های پیام» و «کشش‌های پیامبر» در زمان بسیار اندک توانست دل‌های انسان‌های بی‌شماری را در شرق و غرب عالم تسخیر نماید و متوجه اسلام کند، لذا اسلام بیش از آنکه مدیون شمشیر مجاهدان در گسترش خویش باشد مرهون محتوای فطرت‌پذیر و عقل‌پسند و اخلاق و رفتار الهی و انسانی پیامبر اکرم (ص) و یارانش بود، گرچه «جهاد در راه خدا» و «انفاق فی سبیل الله» و صبر و مقاومت‌های مسلمانان تأثیر بسزایی در پیشرفت اسلام داشته است.

پیامبر در توحید و توجه به خدا، عدالت و رزق، زهد و عبادت، داشتن منطق محکم دینی، شیوایی در گفتار و فصاحت و بلاغت در تبلیغ اسلامی و به‌کارگیری روش‌های معقول و کارآمد آموزش دین، حقیقتاً یک «الگوی تمام عیار» بود و صداقت و خلوص، فروتنی و مهربانی، یاور محرومین و مظلومین بودن، نیز البته چاشنی گفتارها و رفتارهای مغناطیس‌گونه‌اش بود تا او را تابلوی نمایش همه زیبایی‌های علمی و عملی و جاذبه‌های نظری و عملی نماید.

پیامبر همه اهتمامش پرورش نیروهای بالقوه و جودی انسانها و نمایاندن گنج‌های پنهان درون آدمیان بود تا انسانها داشته‌های خویش را بشناسند و شکوفا سازند، و در مدار اصلی، فطری و انسانیت خویش قرار گیرند. او در این مسیر از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نکرد تا انسان از خود حقیقی به سوی خدا پرواز نماید و موانع درونی و برونی استکمال و کمال و جودی‌اش را<sup>۱۵</sup> بردارد و «فلسفه حیات» خود را بشناسد و از «حیات طبیعی» پُلی به سوی «حیات طیبه» بزند و در پرتو هدایت شریعت و وحی و شکوفایی عقل قرب الی الله پیدا نماید. لذا پیامبر (ص) در حکمت علمی و عملی، عقل نظری و عملی، اخلاق علمی و عینی، توحید معرفتی و سلوکی «انسان کامل» و الگوی جامع بود.

#### ۸. داشتن یاران و اصحاب بصیر و صبور

اگرچه یارانی با ویژگی صبر و بصیرت و مانند آن خود نتیجه مکتب تربیتی پیامبر اکرم (ص) بود و امثال علی (ع)، حمزه سید الشهداء، سلمان، ابوذر، مقداد و... هدایت‌ها و

حمایت‌های معرفتی - معنوی پیامبر، عقل آنها را شکوفا کرده و رشد داده و دلشان را روشن کرده است، اما همین یاران در حمایت همه جانبه پیامبر تلاش‌های خالصانه و صبورانه‌ای انجام داده و پیشرفت اسلام حقیقتاً مدیون «جهاد علی (ع)»<sup>۱۶</sup> و مقاومت و هشیاری امثال بلال حبشی، ابوذر غفاری، حمزه بن عبدالمطلب و... بوده است؛<sup>۱۷</sup> یارانی که در سَفَر و حَضَر و در جنگ و صلح، در خلوت و جلوت، در فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، تفسیر قرآن، مدیریت اجتماعی - اجرایی و... دوش به دوش پیامبر انجام وظیفه کرده و سر از پانمی شناختند؛ یارانی که وظیفه‌شناس و وظیفه‌گرایی برای آنها اصالت داشت و همه هستی از مال، آبرو و جان خویش را در طبق اخلاص گذاشتند و «اطاعت مطلق» و «ولایت‌پذیری» آنها در تاریخ ثبت و ضبط شده است. البته موضع و موضوع علی (ع) در این بین و سربازی او در رکاب پیامبر اسلام از دوران غربت اسلام تا خوابیدن او در بستر پیامبر اکرم (ص)، حضور قاطع و سرنوشت‌سازش در جنگ و... از منزلت ممتاز و موقعیت برجسته‌ای برخوردار است که غیر قابل مقایسه با یاران دیگر است. مسئله «امامت و ولایت» او نیز امری کاملاً جداگانه خواهد بود.<sup>۱۸</sup> به هر تقدیر وجود یاران آگاه، مؤمن، اطاعت‌پذیر، مجاهد، شکیبا و بردبار، تیزهوش و هوشمند، اهل ایثار و نثار و... در طول دوران بعثت و رسالتش امری بسیار تأثیرگذار در موفقیت پیامبر اعظم الهی نسبت به حاکمیت اسلام بوده است.

#### ۹. عدالت خواهی و عدالت‌گستری پیامبر اکرم (ص)

یکی از عوامل و مؤلفه‌های بسیار مؤثر در موفقیت پیامبر اکرم (ص) در حاکمیت بخشی اسلام «عدالت اجتماعی» بود. پیامبر (ص) از پیامی و مکتبی سخن می‌گفت که فلسفه اجتماعی‌اش با «عدالت» گره خورد؛ از رسالتی که دو بُعد «تربیت نیروی انسانی کارآمد و الهی» و «عدالت اجتماعی» داشت. رسالتی که دو نیاز وجودی و فطری انسان، یعنی خدا‌گرایی - خداپرستی و عدالت خواهی و عدالت‌گستری را پاسخ می‌داد. پیامبر اعظم (ص) عدالت فکری، اخلاقی، و اجتماعی را در ابعاد مختلف اعلام، ابلاغ و اعمال می‌کرد، یعنی اسلامی که پیامبر (ص) آن را تبلیغ می‌کرد تنها دارای جنبه اخلاقی - تربیتی نبود، بلکه آرمان و پیام اجتماعی مبتنی بر اصل «عدالت اجتماعی» داشت.

پس پیامبر فقط تعلیمات نظری و آرمانی ارائه نمی‌داد، بلکه شرایط تحقق عدالت را فراهم و با موانع قسط و عدل اجتماعی مبارزه می‌کرد و در برابر فقر مادی و معنوی، شکاف‌های طبقاتی و تبعیض در خانواده و اجتماع بسیار حساس بود<sup>۱۹</sup> و با اهتمام ویژه به امور مسلمین و عدالت ورزی در عرصه‌های مختلف توانست جامعه عدالت پسند و عدالت‌پذیر را که تنها در سایه شجره طیبه توحید و عبودیت الهی و اسلام جامع‌نگر ممکن است بسازد. لذا در فردسازی و جامعه‌سازی الهی - توحیدی و عدالت محور موفق شد و بین تکوین ملت و امت اسلامی و تشکیل حکومت دینی عدالت خواه گره بزند و تابلویی از زیبایی‌های معارفی و معنویتی در معرض دیدگان تشنه تربیت و عدالت قرار دهد و همین «جامعه سازی» مبتنی بر عقلانیت، معنویت، عدالت و حریت درونی و برونی، عامل فتوحات اسلامی و اسلام خواهی در ایران و بخش‌هایی از سرزمین روم شد. لذا می‌توان جامعه اسلامی و «مدینه النبی» را به صورت ذیل ارائه نمود:

ارکان و مؤلفه‌های مدینه النبی (ص)

۱- عقلانیت و خردگرایی

۲- معنویت و اخلاق محوری

۳- عدالت و قسط‌مداری

۴- حریت و آزادی خواهی

۱۰. توابط و تعامل مثبت و منطقی با ادیان و مذاهب عصر خود

از جمله رازهای موفقیت پیامبر اعظم (ص)، داشتن منطق کاملاً روشن در برخورد با جریان‌های اعتقادی - دینی و آیین عصر خویش بود؛ چه اینکه از یک سو بابت و بت پرستی و کفر و شرک و نفاق در عقیده و عمل مبارزه فرهنگی و اجتماعی کرد و مثلث کفر، شرک و نفاق نیز در طول دوران رسالتش در برابر او قرار گرفت و از هیچ مبارزه‌ای در برابر «اسلام» و توحید و عدالت فروگذار نکرد. قرآن کریم نیز می‌فرماید: «وَلتجدن اشدّ الناس عداوةً للذین امنوا الیهود و الذین اشرکوا...» (مانده / ۸۲) یا استراتژی دشمن را اسلام ستیزی تا مرز اسلام زدایی معرفی نمود که: «وَلَا یزالون یماتلونکم حتی یردوکم عن دینکم ان ائتطاعوا...» (بقره / ۲۱۷) یا فرمود: «و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا بالله العزیز الحمید» (بروج / ۸) یعنی قرآن کریم بسیار دقیق و واقع‌گرایانه چهره دشمن را معرفی و «دشمن‌شناسی» کرده است و خط تقابل ایمان

- کفر، توحید - شرک، حق - باطل را در مراحل اولیه طرح و ترویج اسلام و سپس به عنوان تاکتیک و روش مبارزاتی دشمن در مراحل بعدی گسترش اسلام تبیین نمود و «جریان نفاق» یا اسلام نقابدار بوسفیانی و اشرافیت و جهالت را در مقابله با اسلام اصیل قرآنی ولایی در نهایت ظرافت روشن و متذکر شد... پیامبر اعظم (ص) اگر چه مواجهه فرهنگی - سیاسی و نامی داشت ولی از سوی دیگر با ادیان و مذاهب از روش دعوت به «کلمه توحید و توحید کلمه» و احتجاج و مناظره های عالمانه و تفکر و اندیشه ورزی استفاده می نمود، که به تعبیر استاد شهید مطهری از ویژگی های پیامبر اعظم (ص): «داشتن جرأت یعنی خود را نباختن و استقامت داشتن»<sup>۲۰</sup> بود هم «داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً» (احزاب / ۴۵) بود و هم «بخشونه و لا یخشون احداً الا الله» (احزاب / ۲۹) و تبعیت از «قول احسن»، تابع برهان و عقل شدن، بازگشت به فطرت اولیه، حق شناسی و حق گروی، گرایش به معرفت و حکمت، داشتن منطق و فلسفه حیات معقول و طیبه، اجبار نابداری ایمان و... از مبانی و مبادی یا اصول دعوت نبوی بود.<sup>۲۱</sup> اسلام از منطق والا و فراگیری برخوردار بود که در برخورد و مواجهه با فرهنگ ها، ادیان و حکایت نه تنها مغلوب یا تضعیف نمی شد بلکه رازها و گوهرهای آن بهتر، عمیق تر و شفاف تر آشکار می شد و «حقانیت» آن اثبات می گردید. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) رابطه حسنه و تعامل سازنده ای با ملل و نحل و جریان های دینی - آیینی عصر بعثت داشت. رهبران ادیان و مذاهب یا نمایندگان جریان های فکری - مذهبی با او ملاقات کرده، مسائل خویش را طرح و پاسخ می گرفتند که برخی از آنها به صورت کلان و کلی در قرآن تبیین و برخی نیز در تاریخ زندگی پیامبر اسلام ثبت و ضبط شده است.

این کارکرد موفق در ارتباط با فرهنگ و تمدن های دوران صدر اسلام به نوع رهبری و مدیریت پیامبر اکرم (ص)، قوت و قدرت فکری - معرفتی اسلام، حقانیت نبوت و رسالت محمد (ص)، هدف دارتر و گزینش روش های منطقی در پیشبرد اسلام از سوی پیامبر خدا (ص) بوده است. لذا با مهربانی توأم با برهان و منطق نظری و عملی ثابت، اخلاق سالم و سازنده تبلیغی دین مسلمین و حتی غیر مسلمانان را فریفته و شیفته اسلام و پیامبر (ص) می نمود<sup>۲۲</sup> و البته همه زیبایی های وجودی پیامبر بر همین «تأییدات الهی»، قابلیت و استعداد نبوی، مجاهدت و سلوک الهی و ملکوتی، خردورزی و هوشمندی، اخلاق حسنه

یا مکارم و معالی اخلاقی پیامبر اسلام بود. آری برای پیامبر دعوت به خدانه خود، حاکمیت قوانین الهی نه رأی و نظر خویشتن، بینش‌ها و ارزش‌های اسلامی و اقامه حدود و عدالت الهی مهم بود و لا غیر و چنین پیام‌های عمیق عقل و فطرت پسند و روش و رویکرد عملی پیامبر اسلام با دنیای عصر خود از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار موفقیت و حاکمیت اسلام بود.

### نتیجه‌گیری

پیامبر اکرم (ص) با درک درست از شرائط زمان و مکان، باور به پیام الهی و پیامبری و رسالتش، گزینش راه کارهای کارآمد و پویا، تدبیر و برنامه ریزی برای نیل به هدف الهی، صبر و بصیرت، شکر و شکیبایی، منطق اصولگرایانه علمی و عملی ثابت و روشن، اخلاق کریمانه و حسنه، مجاهدت و مهاجرت، دشمن‌شناسی و دشمن ستیزی، برخورد با ریشه‌های علل انحراف و انحطاط عقیدتی و عملی، عقلانیت و عدالت، بیداری و پایداری در راه هدف چون طیب حاذق و مشفق در برخورد با بیماران فکری - روحی عمل کردن، دعوت خالصانه، صادقانه و صریحانه به سوی خدا، ارزش‌گرایی در قول و فعل، داشتن یاران بصیر و مجاهد، تعامل مثبت با ادیان و آئین‌های عصر خویش، قرار دادن عقل و دل یا فطرت انسانها و تلاش در بیدار سازی فطرت آدمیان، مبارزه با تحریف، عوام زدگی، واپس‌گرایی در حوزه درک دینی یا دین‌شناسی و دین‌داری، قرین سازی دانایی، دینداری به هم و در پرتو تأییدهای الهی توانست در یک زمان بسیار کوتاه علی‌رغم مشکلات فراوان و مانع‌تراشی‌های فرهنگی - سیاسی و اجتماعی و حتی نظامی از سوی دشمنان توحید و عدالت اسلام را در پهنه روزگار و آفاق عصر و جغرافیای شرقی - غربی دوران خویش حاکم نماید و حقیقتاً برای همه دین‌داران به خصوص عالمان دینی و پرچم‌داران عرصه فرهنگ و سیاست یک الگوی عینی و واقعیت‌پذیر و آینه‌راه‌نما و تابلویی از جاذبه‌های محتوایی و قالبی اسلام عزیز شود تا در همه اعصار حتی عصر غیبت امام زمان (عج) و عصر تهاجم فرهنگ‌ها حاکم گردد که «الاسلام یعلوا و لا یعلی علیه» و «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره الکافرین» (توبه / ۳۳)

## بی نوشتها:

۱. مطهری، م، آ، (انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش. تهران.) ج ۱۶، ص ۱۴۳-۱۴۶؛ ج ۲۳، ص ۱۲۰-۱۲۵.
۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۷۳-۱۷۸.
۳. همان.
۴. همان.
۵. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۸۳.
۶. مطهری، م، آ، ج ۱۶، ص ۱۰۹-۱۱۰.
۷. همان، ج ۲۳، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۸. بحار، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۱۱۱.
۹. مطهری، م، آ، ج ۱۶، ص ۱۷۴-۱۷۵.
۱۰. مطهری، م، آ، ج ۲۳، ص ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۵۹۱ و...
۱۱. امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۹۸ و ۹۹.
۱۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، ج ۱، ص ۱۰۷ و ۳۲۱.
۱۳. مطهری، م، آ، (انتشارات صدرا، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۸ ش. تهران)، ج ۳، ص ۳۲۳.
۱۴. همان، ج ۱۶، ص ۴۸-۴۹.
۱۵. همان، ج ۲۲، ص ۵۲۳-۵۶۳، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش. تهران.
۱۶. همان، ج ۱۶، ص ۱۸۰-۱۸۳، ج ۲۳، ص ۵۹۳-۹۹۴ و...
۱۷. همان، ص ۶۴-۶۵؛ ج ۲۳، ص ۵۷۷-۶۱۹.
۱۸. همان، ج ۳، ص ۲۹۴-۲۹۷، ۳۱۹-۳۲۱، ج ۴، ص ۸۵۵-۹۴۵، ج ۲۳، ص ۵۰۴-۵۰۷.
۱۹. ر.ک: همان، ج ۲۳، ص ۷۴۲-۷۴۸.
۲۰. مطهری، م، آ، ج ۱۶، ص ۱۶۴.
۲۱. ر.ک: مطهری، م، آ، ج ۱۶، ص ۱۳۵-۱۷۰.
۲۲. همان، ص ۱۷۵-۱۸۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی